گزارش «وطن امروز» درباره اثرات افزایش ارزش دارایی بانک‌ها در بخش مسکن به ۱۰۰۰ همت

بانکداری یا ملک‌داری

وقتی بانک‌ها به جای تأمین مالی تولید به انباشت دارایی‌های غیرمولد رو می‌آورند، اقدامات‌شان پایه پولی و نقدینگی را افزایش می‌دهد

گروه اقتصادی: در حالی که قانون رفع موانع تولید، بانک‌ها را موظف به خروج از بنگاهداری کرده، تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی از رشد بی‌سابقه دارایی‌های ملکی بانک‌ها به هزار همت پرده برداشته است. این انحراف ساختاری نه‌تنها منابع بانکی را در املاک راکد فریز کرده، بلکه با تشدید ناترازی، به رشد نقدینگی و فشار بر پایه پولی دامن زده است. سکوت بانک مرکزی در برابر این روند، پرسش‌های جدی درباره نقش نهاد ناظر در مشکلات نظام پولی کشور ایجاد کرده است.

رشد دارایی‌های ملکی بانک‌ها تا سطح بیش از ۱۰۰۰ همت، آن هم در شرایطی که اقتصاد با چالش نقدینگی و تورم ساختاری مواجه است، نشان‌دهنده یک انحراف عمیق در مأموریت بانک‌هاست. آنها به جای ایفای نقش در تأمین مالی تولید و ارائه خدمات بانکی، بخش قابل‌توجهی از منابع خود را در املاک و مستغلات راکد انباشته کرده‌اند؛ پدیده‌ای که نه‌تنها خلاف قانون رفع موانع تولید و الزام خروج از بنگاهداری است، بلکه به تشدید ناترازی مالی و افزایش پایه پولی منجر شده است.

بانک‌ها در سال‌های اخیر با فشارهای متعددی از جمله مطالبات معوق، زیان انباشته و نرخ‌های سود دستوری مواجه بوده‌اند. در چنین شرایطی ورود به بازار ملک به‌عنوان یک حوزه سودآور و کم‌ریسک، جذابیت بیشتری نسبت به تسهیلات‌دهی به بخش‌های مولد داشته است. ملک، برخلاف وام‌های تولیدی، نیاز به اعتبارسنجی ندارد. املاک هرچند نقدشوندگی فوری ندارند اما سود بالایی دارند، چراکه در صورت تورم دارایی، سود قابل‌توجهی برای بانک‌ها ایجاد می‌کنند. از سوی دیگر، ضعف نظارت و نبود ضمانت اجرایی برای اجرای قانون خروج از بنگاهداری، موجب شده بانک‌ها بدون مانع خاصی به خرید، نگهداری و حتی توسعه دارایی‌های ملکی خود ادامه دهند. در واقع، بانک‌ها به جای واسطه‌گری مالی، به بازیگران بازار دارایی تبدیل شده‌اند؛ نقشی که با مأموریت اصلی آنها در تضاد است.

■ دلیل کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها

فریز منابع بانکی در املاک غیرمولد، موجب کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها شده است. در نتیجه، برای پاسخ به نیازهای جاری و پرداخت سود سپرده‌ها، بانک‌ها ناگزیر به استقراض از بانک مرکزی یا خلق پول از محل بدهی‌های بین‌بانکی روی آورده‌اند. این روند، مستقیماً پایه پولی را افزایش داده و به رشد نقدینگی دامن زده است؛ نقدینگی‌ای که به جای هدایت به سمت تولید، در بازارهای سفته‌بازانه مانند ارز، طلا و ملک سرریز می‌شود. در واقع، ناترازی بانک‌ها نه‌تنها یک مساله داخلی در ترازنامه‌هاست، بلکه به یک عامل ساختاری در بی‌ثباتی پولی تبدیل شده است. تا زمانی که منابع بانکی در املاک راکد باقی بماند، نقدینگی کنترل‌ناپذیر خواهد بود و سیاست‌های پولی نیز از اثرگذاری لازم برخوردار نخواهند شد.

از طرف دیگر باید توجه داشت که با وجود الزام قانونی در قانون بودجه ۱۴۰۲ برای انتشار اطلاعات اموال غیرمنقول بانک‌ها، برخی بانک‌ها از ارائه آمار خودداری کرده‌اند و برخی دیگر نیز با اعلام قیمت‌های غیرواقعی، عملاً شفافیت را دور زده‌اند. برخی بانک‌ها ارزش صدها فقره از املاک خود را دقیق اعلام نکرده‌اند که نشان‌دهنده نبود نظارت مؤثر از سوی بانک مرکزی است. در مواردی دیگر، بانک‌ها اطلاعات نادرست ارائه داده‌اند؛ به عنوان مثال، یکی از بانک‌ها تعداد شعب خود را تنها ۲ شعبه اعلام کرده که با واقعیت فاصله زیادی دارد. این کم‌اظهاری آماری، در کنار مزایده‌های بی‌مشتری برای فروش املاک مازاد، نشان می‌دهد سیاست‌های فروش دارایی‌های غیرمولد نیز عملاً موثر نبوده و منابع بانکی همچنان در بخش‌های غیرمولد فریز شده‌اند.

ادامه روند ملاکی بانک‌ها، نه‌تنها به تورم دارایی و افزایش قیمت ملک دامن می‌زند، بلکه بهره‌مندی مشتریان از نظام بانکی را نیز تضعیف می‌کند. بانک‌ها به جای حمایت از تولید، به رقابت با بخش خصوصی در بازار ملک پرداخته‌اند؛ رقابتی نابرابر که با منابع ارزان و دسترسی به اطلاعات، بازار را به نفع خودشان هدایت کرده‌اند. در نهایت، اصلاح این روند نیازمند اراده‌ای فراتر از توصیه‌های نظارتی است. بازتعریف مأموریت بانک‌ها، اجرای کامل قانون خروج از بنگاهداری و تقویت ابزارهای نظارتی بانک مرکزی، گام‌هایی ضروری برای بازگرداندن بانک‌ها به مسیر واقعی بانکداری و کنترل بحران نقدینگی در کشور است.

■ تاثیر فعال‌سازی تأمین مالی تولید

اگر بیش از ۱۰۰۰ همت دارایی ملکی بانک‌ها که اکنون در بازار املاک راکد مانده‌اند، به جای انباشت غیرمولد وارد چرخه خدمات بانکی و تأمین مالی تولید شود، اقتصاد ایران با یک جهش ساختاری در سمت عرضه مواجه خواهد شد. این حجم از سرمایه، در صورت تزریق هدفمند به بخش‌های مولد، می‌تواند ظرفیت تسهیلات‌دهی بانک‌ها را به طور چشمگیری افزایش دهد، بنگاه‌های کوچک و متوسط را فعال و اشتغال را تقویت کند و در نهایت، فشار تورمی ناشی از رشد نقدینگی بدون پشتوانه را کاهش دهد.

در شرایطی که بسیاری از بانک‌ها با ناترازی مواجهند و برای تأمین سود سپرده‌ها به خلق پول یا استقراض از بانک مرکزی روی آورده‌اند، آزادسازی این منابع می‌تواند به اصلاح ترازنامه‌ها کمک کند. به جای خلق نقدینگی جدید، بانک‌ها می‌توانند از محل فروش یا بهره‌برداری مولد از املاک خود، منابع واقعی برای تسهیلات فراهم کنند. این اقدام نه‌تنها پایه پولی را کنترل‌پذیرتر می‌کند، بلکه نقدینگی موجود را به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت می‌کند؛ مسیری اصلاحی که می‌تواند به افزایش بهره‌وری و تقویت رشد اقتصادی منجر شود.

برای تحقق این هدف، بانک مرکزی باید از مجموعه‌ای از ابزارهای نظارتی، انگیزشی و تنبیهی استفاده کند. نخست، اجرای کامل قانون رفع موانع تولید و الزام خروج از بنگاهداری باید در اولویت قرار گیرد. بانک مرکزی می‌تواند با تعیین سقف مجاز برای دارایی‌های غیرمولد، بانک‌ها را به فروش یا واگذاری املاک مازاد ملزم کند. همچنین، اعمال جریمه‌های مالیاتی برای نگهداری دارایی‌های راکد و ارائه مشوق‌هایی مانند کاهش نرخ ذخیره قانونی برای بانک‌هایی که منابع خود را به تسهیلات مولد اختصاص می‌دهند، می‌تواند رفتار بانک‌ها را اصلاح کند.

در مورد بانک‌های ناتراز، بانک مرکزی باید با دقت بیشتری عمل کند. این بانک‌ها باید تحت نظارت ویژه قرار گیرند و برنامه‌های اصلاح ساختار مالی آنها با محوریت آزادسازی دارایی‌های ملکی تدوین شود. استفاده از ابزارهایی مانند الزام به واگذاری املاک از طریق مزایده‌های شفاف، ممنوعیت سرمایه‌گذاری جدید در حوزه املاک و حتی اعمال محدودیت در پرداخت سود به سپرده‌گذاران تا زمان اصلاح ترازنامه، می‌تواند به بازگشت این بانک‌ها به مأموریت اصلی خود کمک کند. در نهایت، بازگشت هزار همت دارایی بلوکه‌شده به خدمات بانکی، نه‌تنها یک اصلاح مالی، بلکه یک تحول اقتصادی است. این اقدام می‌تواند موتور تولید را دوباره روشن، اعتماد عمومی به نظام بانکی را احیا و مسیر توسعه پایدار را هموار کند، مشروط به آنکه بانک مرکزی از نقش ناظر منفعل به تنظیم‌گر فعال تغییر موقعیت دهد.

■ بازنگری در مدل کسب‌وکار بانکی

بنابراین می‌توان گفت آنچه در گزارش اخیر بانک مرکزی درباره دارایی‌های ملکی بانک‌ها نمایان شده، صرفاً یک بحران ترازنامه‌ای نیست، بلکه نشانه‌ای از یک انحراف عمیق در مدل کسب‌وکار بانکداری در ایران است. ورود گسترده بانک‌ها به بازار املاک، نه‌تنها حاصل ناترازی مالی یا ضعف نظارت است، بلکه نتیجه ترجیح ساختاری سودهای کوتاه‌مدت بر مأموریت‌های توسعه‌محور و خدماتی است. بنابراین، راه‌حل این بحران صرفاً در اصلاح ترازنامه‌ها یا اجرای ناقص قوانین خروج از بنگاهداری خلاصه نمی‌شود، بلکه نیازمند بازنگری در منطق سودآوری، ساختار انگیزشی و مأموریت‌های نهادی بانک‌هاست.

بانک مرکزی اگر می‌خواهد نقش تنظیم‌گر فعال را ایفا کند، باید از سطح ابزارهای تنبیهی و مشوق‌های مالی فراتر رود و به بازتعریف رابطه بانک‌ها با اقتصاد ملی بپردازد. این یعنی طراحی سازوکارهایی که بانک‌ها را به سمت مشارکت در توسعه صنعتی، تأمین مالی نوآوری و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط سوق دهد نه صرفاً خروج از بازار ملک، بلکه ورود به مأموریت‌های واقعی بانکداری. تنها در این صورت است که آزادسازی هزار همت دارایی ملکی، به جای یک اصلاح حسابداری، به یک نقطه عطف در تحول نظام مالی کشور تبدیل خواهد شد.

رسانه‌های خارجی گزارش دادند خانواده ترامپ از نوسانات رمزارزها یک میلیارد دلار به جیب زده است

مافیای رمزارزها

گروه اقتصادی: در بحبوحه نوسانات شدید بازار رمزارزها، داده‌های معاملاتی و تحولات سیاسی نشان می‌دهد در پشت پرده این بازار، بازیگران قدرتمند و سرمایه‌های کلان نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به قیمت‌ها دارند. در حالی که بیت‌کوین، اتریوم و سایر رمزارزها طی هفته‌های اخیر تحت تأثیر تصمیمات سیاسی از جمله اعلام تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی بر کالاهای چینی توسط رئیس‌جمهور آمریکا، با افت قیمت مواجه شده‌اند، حجم نقدینگی در موقعیت‌های خرید و فروش نشان از تحرکات سنگین سرمایه‌ای دارد که از سوی نهادها و افراد بانفوذ هدایت می‌شود.

طبق داده‌های پلتفرم «کوین‌گلس»، موقعیت‌های خرید با بیش از ۷۱۱ میلیون دلار نقدینگی، بخش عمده‌ای از جریان بازار را تشکیل داده است، در حالی که موقعیت‌های فروش با حدود ۳۰۸ میلیون دلار، بخش زیان‌ده را نمایندگی می‌کنند. این شکاف، نه‌تنها نشان‌دهنده رفتارهای متفاوت سرمایه‌گذاران خرد و کلان است، بلکه گواهی بر وجود بازیگران بزرگ و هماهنگ در سمت خرید است که با ورود نقدینگی سنگین، روند بازار را تحت کنترل خود دارند.

در همین راستا، گزارشی از فایننشال تایمز منتشر شده که از سودهای هنگفت برخی خانواده‌های سیاسی از جمله خانواده ترامپ در بازار رمزارزها خبر می‌دهد. گفته می‌شود این خانواده از نوسانات اخیر بازار، حدود یک میلیارد دلار سود کسب کرده به طوری که که میم‌کوین‌های رسمی TRUMP و MELANIA به ترتیب حدود ۳۶۲ و ۶۵ میلیون دلار سود داشته‌اند. همچنین توکن WLFI حدود ۵۵۰ میلیون دلار و استیبل کوین USD1 با ثبت ۲,۷۱ میلیارد دلار فروش، حدود ۴۲ میلیون دلار درآمد بالقوه ایجاد کرده‌اند.

این گزارش نشان‌دهنده نفوذ مستقیم سیاست‌ورزان در بازارهای مالی نوظهور است. این اتفاق همچنین بار دیگر پرسش‌هایی جدی درباره شفافیت، عدالت و ساختار نظارتی بازار رمزارزها مطرح می‌کند. از طرف دیگر نشان پشت پرده سیاست‌های ترامپ در قبال فشار بر دولت آمریکا برایی اینکه ذخیره رمزارزها را به عنوان پشتوانه خزانه ملی افزایش دهد نمایان می‌کند.

در واکنش به این موضوع، قانونگذاران دموکرات لایحه‌ای را برای ممنوعیت تعارض منافع مقامات در حوزه ارزهای دیجیتال پیشنهاد کرده‌اند. سناتور آدام شیف قانون COIN را معرفی کرده که رئیس‌جمهور، معاون او و خانواده‌های نزدیک آنان را از ورود به هر کسب‌وکار ارز دیجیتال در دوران تصدی منع می‌کند.

در روزهای اخیر نوسانات رمزارزها افزایش یافته که احتمالا نشانه‌ای از نقش سیاسیون و مافیای رمزارزها در بازار است. به طوری که بیت‌کوین با ثبت ۳۴۹ میلیون دلار نقدینگی، شامل ۲۲۹ میلیون دلار موقعیت خرید و ۱۲۰ میلیون دلار موقعیت فروش، با افت ۱,۸ درصدی به قیمت ۱۰۶,۶۰۷ دلار معامله شد. اتریوم نیز با کاهش ۳,۵ درصدی، به ۳,۷۹۸ دلار رسید و مجموع فروش آن به ۲۳۵ میلیون دلار رسید. سایر رمزارزهای مطرح مانند سولانا، ریپل و دوج‌کوین نیز کاهش‌های قابل‌توجهی را تجربه کردند، به طوری‌که سولانا با افت ۳,۹ درصدی، ۷۹ میلیون دلار فروش ثبت کرد و دوج‌کوین با افت ۴,۶ درصدی، ۱۹ میلیون دلار از دست داد.

این نوسانات در ظاهر ممکن است ناشی از واکنش بازار به اخبار سیاسی یا تغییرات نرخ بهره باشد اما در واقعیت، رد پای پول‌های بزرگ و هماهنگ در پشت پرده این بازار به‌وضوح دیده می‌شود. در بازاری که حجم معاملات روزانه آن به صدها میلیارد دلار می‌رسد، ورود یا خروج چند میلیارد دلار از سوی نهادهای خاص یا افراد بانفوذ می‌تواند روند قیمت‌ها را به‌کلی تغییر دهد.

در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران خرد نه‌تنها در معرض ریسک‌های شدید قرار دارند، بلکه عملاً در برابر موج‌های مصنوعی قیمت‌سازی، بی‌دفاع هستند. نبود نهادهای نظارتی بین‌المللی، عدم شفافیت در مالکیت کیف پول‌های بزرگ و وابستگی شدید بازار به اخبار سیاسی، موجب شده رمزارزها از یک ابزار مالی نوآورانه به بستری برای بازی‌های قدرت و سودهای کلان تبدیل شوند.

واقعیتی که بازار رمزارزها را از سایر بازارهای مالی متمایز می‌کند، فناوری بلاک‌چین یا غیرمتمرکز بودن آن نیست، بلکه میزان نفوذ و تأثیرگذاری بازیگران پشت پرده‌ای است که با سرمایه‌های عظیم، می‌تواند مسیر قیمت‌ها را تعیین کند. تا زمانی که ساختارهای نظارتی شفاف و بین‌المللی برای این بازار شکل نگیرد، رمزارزها همچنان بستری برای سودهای نجومی و زیان‌های غیرقابل پیش‌بینی باقی خواهند ماند؛ بازاری که بیش از آنکه بر مبنای عرضه و تقاضای واقعی حرکت کند، تحت فرمان پول‌های بزرگ و تصمیمات سیاسی است.

■ ۳ سناریو برای بازار رمزارزها

با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۲۵، بازار رمزارزها در آستانه یکی از پرنوسان‌ترین دوره‌های خود قرار گرفته است؛ دوره‌ای که در آن فرصت‌های سودآور و تهدیدهای ساختاری در کنار یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند. اگرچه قبلا پیش‌بینی شده بود بیت‌کوین به عنوان شاخص‌ترین دارایی دیجیتال، در مسیر رسیدن به رکوردهای تاریخی جدید قرار دارد اما در عین حال، سایه سنگین اصلاح‌های قیمتی نیز همچنان بر بازار سنگینی می‌کند.

تحلیل‌های منتشرشده از منابعی چون بلومبرگ، گلس‌نود و کوین‌دسک، ۳ سناریوی محتمل را برای مسیر پیش‌روی بازار ترسیم کرده است: صعودی، نزولی و خنثی. در سناریوی صعودی، بیت‌کوین می‌تواند بار دیگر با عبور از مرزهای روانی ۱۲۰ هزار دلار وارد فاز جدیدی از پذیرش نهادی و تثبیت جایگاه خود در سبد دارایی‌های جهانی شود. این مسیر، البته مشروط به شفاف‌سازی مقررات جهانی، افزایش پذیرش از سوی بانک‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و رشد زیرساخت‌های پرداخت مبتنی بر بلاک‌چین است. در این سناریو، اتریوم نیز با تکیه بر توسعه قراردادهای هوشمند و گسترش اکوسیستم دیفای، پتانسیل عبور از مرز ۵۰۰۰ دلار را خواهد داشت.

اما در سناریوی نزولی، بازار با فشارهای بیرونی و درونی مواجه می‌شود. سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی، تشدید تنش‌های ژئوپلیتیک و اعمال محدودیت‌های نظارتی می‌توانند جرقه اصلاح‌های سنگین را بزنند. در این حالت، بیت‌کوین ممکن است تا محدوده ۸۰ هزار دلار عقب‌نشینی کند و اتریوم نیز به زیر ۳۰۰۰ دلار سقوط کند. تجربه‌های گذشته نشان داده بازار رمزارزها به‌شدت به اخبار سیاسی و تصمیمات ناگهانی واکنش نشان می‌دهد؛ از جمله تعرفه‌های تجاری یا اظهارات سیاستمداران بانفوذ که می‌توانند در عرض چند ساعت، میلیاردها دلار از ارزش بازار را جابه‌جا کنند.

در سناریوی سوم، بازار در وضعیت خنثی باقی می‌ماند؛ نوسانات محدود، تثبیت قیمت‌ها در محدوده‌های فعلی و تمرکز سرمایه‌گذاران بر موقعیت‌های بلندمدت. در این حالت، بیت‌کوین در بازه ۹۵ هزار تا ۱۱۵ هزار دلار و اتریوم بین ۳۵۰۰ تا ۴۵۰۰ دلار نوسان خواهد کرد. این سناریو بیشتر در صورتی محتمل است که بازار به تعادل نسبی میان عرضه و تقاضا برسد و شوک‌های بیرونی کاهش یابد.

در این میان، بخش دیفای (مالی غیرمتمرکز) نیز در آستانه بازگشت قرار دارد. اگرچه این بخش در سال‌های گذشته با چالش‌های امنیتی و نظارتی مواجه بود اما اکنون با کاهش فشارهای نظارتی و افزایش اعتماد کاربران، می‌تواند رشد ۳ تا ۵ برابری را تجربه کند و سهم بیشتری از نقدینگی بازار را جذب کند. این بخش، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر، می‌تواند یکی از جذاب‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری در سال‌های پیش رو باشد.

در نتیجه می‌توان ادعا کرد بازار رمزارزها تا پایان سال ۲۰۲۵ در تقاطع فرصت و تهدید قرار دارد. نوسانات شدید ورود پول‌های بزرگ و تأثیرپذیری از تحولات سیاسی و اقتصادی، این بازار را به یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال پویاترین عرصه‌های سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. در چنین فضایی، موفقیت تنها از آن کسانی خواهد بود که با تحلیل دقیق، مدیریت ریسک هوشمندانه و درک عمیق از دینامیک‌های فناوری و سیاست، بتوانند مسیر خود را در میان امواج پرتلاطم بازار پیدا کنند. هوشیاری، انعطاف‌پذیری و دسترسی به اطلاعات به‌روز، بیش از هر زمان دیگری، کلید بقا و سودآوری در این بازار خواهد بود.

معرفی کتاب

هُل اول

بسیاری از افراد زمانی که سراغ اقتصاد و مطالب اقتصادی می‌روند به دنبال تابع عرضه و تقاضا، بازدهی نزولی نیروی کار و منحنی فیلیپس نیستند، بلکه به دنبال راهی برای کسب درآمد و سودآوری هستند؛ سودآوری‌ای که از شناخت بازار یا سرمایه‌گذاری در نقاط درست برای افراد حاصل می‌شود و برای اطلاع از این نقاط به اقتصاد روی می‌آورند.

موضوع شیوه سرمایه‌گذاری و استراتژی‌های مربوط به هدایت سرمایه و کسب سود، در اقتصاد تحت عنوان «سواد مالی» طرح می‌شود. کتاب «هل اول» یکی از آثار جدید صادق‌الحسینی است که به شکل کامل و جامع به این موضوع پرداخته است. ویژگی برجسته این کتاب که او را با دیگر منابع آموزش سواد مالی متفاوت کرده، اختصاصی‌سازی توصیه‌ها با شرایط اقتصاد ایران است.

صادق‌الحسینی یادگیری سواد مالی را به یک دوچرخه‌سواری تشبیه کرده که تسلط به آن نیازمند تمرین، تکرار و حفظ تعادل است. «هل اول» به معنی همان نیروی ابتدایی است که به شما کمک می‌کند در مسیر استقلال مالی قدم بردارید. این کتاب برای کسانی مناسب است که دغدغه مالی دارند؛ چه آنها که به دنبال راهی برای افزایش درآمد هستند، چه آنها که می‌خواهند از سرمایه خود محافظت کنند. همچنین برای جوانانی که تازه وارد بازار کار شده‌اند، صاحبان کسب‌وکارهای کوچک و حتی افراد بازنشسته‌ای که به دنبال مدیریت بهتر دارایی‌های خود هستند، «هل اول» می‌تواند راهنمایی ارزشمند باشد.

در نهایت اگر به دنبال آرامش مالی در دل بی‌ثباتی اقتصادی هستید و می‌خواهید با قدم‌هایی ساده اما مؤثر، مسیر مالی‌تان را تغییر دهید، این کتاب می‌تواند «هل اول» شما باشد.

اخبار

سیاست ارز ترجیحی باید اصلاح شود

عضو اتاق ایران گفت: بخشی از کالاهای واردشده با ارز دولتی، در بازار با نرخ آزاد عرضه می‌شود که ناشی از ضعف نظارت و انحراف در توزیع است.

اسحاق بندانی، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، روز یکشنبه در نشست این کمیسیون با محوریت «تخصیص ارز» بر ضرورت هم‌سویی سیاست‌های پولی با امنیت غذایی کشور تأکید کرد و گفت: همکاری و هماهنگی میان اتاق بازرگانی و بانک مرکزی برای ایجاد تعادل در منابع ارزی، امری حیاتی است.

وی هدف اصلی این اقدامات را «تضمین ثبات تولید و آرامش بازار» عنوان کرد و افزود: تحقق این هدف نیازمند تصمیم‌گیری‌های دقیق، به‌موقع و کارشناسی است.

بندانی با اشاره به محدودیت منابع ارزی و فشارهای اقتصادی، مدیریت هوشمندانه این منابع را ضرورتی انکارناپذیر دانست و گفت: در ماه‌های اخیر، بخشی از ارز تخصیصی با وجود نیت مثبت، در مسیر نادرستی هزینه شده و به اهداف تعیین‌شده نرسیده است.

به گفته او، برخی کالاها که ارز ترجیحی دریافت کرده‌اند، در نهایت با نرخ آزاد در بازار عرضه می‌شوند و این مساله، نتیجه ضعف در نظام توزیع و نظارت است.

وی ادامه داد: برخی کالاهای غیرضروری با وجود سهم اندک در معیشت خانوار، اثرات تورمی قابل توجهی بر بازار کالاهای اساسی گذاشته و موجب بی‌ثباتی در عرضه آنها شده‌اند.

رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی در پایان بر اصلاح سیاست ارز ترجیحی تأکید کرد و پیشنهاد داد این اصلاحات از کالاهای کم‌تأثیر بر سفره مردم آغاز شود تا آثار تورمی و انحراف در یارانه‌ها کاهش یابد.

■■■

ثبات در بازار توافقی ارز

نرخ توافقی ارز در بازار تجاری دیروز بدون تغییر محسوس ماند؛ دلار و یورو در سطوح ۷۲ و ۸۴ هزار تومان تثبیت شدند و درهم امارات نیز روندی آرام و باثبات داشت. در معاملات دیروز بازار توافقی ارز، نرخ اسکناس و حواله دلار، یورو و درهم امارات در مقایسه با روز کاری گذشته بدون نوسان قابل توجه باقی ماند و بازار در وضعیتی آرام و کم‌عمق به کار خود ادامه داد.

بر اساس داده‌های مرکز مبادله ارز و طلا، هر اسکناس دلار توافقی دیروز (۲۷ مهر ۱۴۰۴) با نرخ ۷۲ هزار و ۵۰۱ تومان معامله شد و حواله دلار نیز به نرخ ۷۰ هزار و ۳۸۹ تومان تثبیت شد. این ثبات قیمتی در حالی رخ داد که حجم معاملات نسبت به روزهای پرنوسان نیمه نخست مهر کاهش یافته است.

در همین حال یورو توافقی نیز روندی مشابه داشت؛ قیمت اسکناس یورو در سطح ۸۴ هزار و ۶۲۸ تومان باقی ماند و نرخ حواله یورو نیز ۸۲ هزار و ۱۶۳ تومان گزارش شد. از سوی دیگر، اسکناس درهم امارات با نرخ ۱۹ هزار و ۷۴۱ تومان قیمت‌گذاری شد و حواله درهم نیز ۱۹ هزار و ۱۶۶ تومان اعلام شد.

به گفته فعالان بازار ارز، ثبات نسبی نرخ‌ها در محدوده اخیر نتیجه توازن میان عرضه و تقاضا در بازار توافقی است. معامله‌گران از افزایش تزریق اسکناس ارزی توسط صادرکنندگان و کنترل تقاضای وارداتی به عنوان عوامل کاهش فشار بر نرخ‌ها یاد می‌کنند. برخی تحلیلگران نیز معتقدند سیاست‌های ارزی بانک مرکزی برای تقویت سامانه‌های مبادله رسمی و محدودسازی معاملات غیررسمی باعث شده دامنه تغییرات نوسانی ارز کاهش یابد. بازار ارز روز گذشته چهره‌ای آرام و متعادل به خود گرفت؛ دلار در سطح ۷۲ هزار تومان تثبیت شد و یورو و درهم نیز بدون تغییر معامله شدند. کارشناسان تأکید دارند ادامه این روند به پایداری عرضه ارزی صادرکنندگان و کنترل انتظارات تورمی در هفته‌های آینده وابسته خواهد بود.